

فارسی و پاکستان

ڈاکٹر محمد ناصر ☆

Abstract:

It is now more than one thousand years that the sweet and attractive Persian has captured the hearts and minds of the people of the mysterious land, called sub-continent. Nevertheless it is quite evident to everyone that Persian has gone under immense stress during the past thirty years. The 21st century is rightly called the age of computer and technology and preferences of the common people have changed dramatically. The cultural invasion of Europe has influenced every walk of life and the necessities of the modern age e.g. computer, internet, cellular phones and excessive number of television channels have taken our younger generation at distance from religious, cultural, social and moral values.

Key words: Persian, Subcontinent, Past 25 years, Analysis.

چکیده

بیش از ہزار سال می گذرد کہ زبان شیرین و دلنشین فارسی قلوب و اذهان مردم شریف سرزمین مرموز شبہ قارہ را بہ دست آورده است، اما از کسی پنهان نیست کہ در ربع قرن اخیر بعموم و در دہہ اخیر بخصوص فارسی با مشکلات بی سابقہ ای روبہ

☆ اسسٹنٹ پروفیسر، شعبہ فارسی، اورینٹل کالج، پنجاب یونیورسٹی، لاہور

رو شد. در قرن حاضر که زمان فناوری و رایانه ای خوانده می شود، ارجحیت های مردم بکلی تغییر یافت. تهاجم فرهنگی اروپا در همه شئون زندگی تأثیر گذاشت و رایانه، اینترنت، شبکه های تلویزیونی و تلفن همراه نژاد جوان ما را از ارزشهای دینی، مذهبی و اخلاقی بقدری دور ساخت و اگر راست بگوییم بزرگسالان هم از وظیفه اساسی تربیت جوانان غافلگیر شدند. بدون شک و تردید زندگی به سرعت جلو رفت و متأسفانه ارزشها عقب ماندند. اما باید پذیرفت ما نیز برای مقاومت در برابر مشکلات موجود بدون هیچ آمادگی و برنامه ریزی بیرون آمدیم. در مقاله حاضر نقاط ضعف در ترویج و احیای فارسی در شبه قاره در ربع قرن اخیر مورد بررسی علمی پژوهشی قرار گرفته و نویسنده نقش استادان، پژوهشگران، دانشجویان، مسئولان فرهنگی، دست اندرکاران امور اجرایی و سیاست های دولتی را به باد تند نقد سپرده و افزون بر آن امکانات حاضر را ذکر کرده و برای ترویج زبان بزرگان و نیاگان و احیای دوره طلایی ادب گرانسنگ فارسی پیشنهاد های عملی و ارزنده ای ارائه داده است.

واژگان کلیدی: فارسی، شبه قاره، ترویج، بررسی نقاط ضعف، امکانات، پیشنهاد ها

فارسی از قدیمترین زبانهای جهان و مهمترین زبانهای جهان اسلامی به حساب می آید. اگر بر تاریخ زبان فارسی، حتی نگاهی گذرا بیندازیم، حقایق بسیار جالب توجه ما را به خود اختصاص می دهد. به عنوان مثال در حدود دو هزار و پانصد سال پیش در دوران امپراتوری پرشکوه هخامنشیان (۵۵۹ الی ۳۲۱ پیش از میلاد مسیح)، زبانی که در ایران بدان تکلم می شد، زبان شناسان امروزی آن را "فارسی باستان" می نامند. (ابوالقاسمی، محسن، ۱۳۷۳ش، ص ۱۸) اسکندر مقدونی (د. ۳۲۳ ق م)، داریوش سوم (د. ۳۲۱ ق م)، آخرین پادشاه هخامنشیان، را شکست داد و بساط امپراتوری هخامنشی را درنورد. (رازی، عبدالله، ۱۳۷۲ش، ص ۲۰) و سرزمین پهناور ایران عزیز به دست یونانی ها افتاد. اسکندر مقدونی در عالم جوانی داعی اجل را لبیک گفت و رخت از جهان بریست، و در نتیجه اش منطقه فارسی زبان امپراتوری

اسکندر را سلوکوس (د. ۲۸۱ یا ۲۸۰ ق م) به دست گرفت. (پیشین، ص ۳۴) اما بیش از هشتاد سال نگذشته بود که ایرانیان جسور و غیور بیگانگان را از خاک پاک خود بیرون راندند (پیشین، ص ۴۲) و سلطنت اشکانیان پای به عرصه وجود گذاشت، و ایرانیان زمام اقتدار خویش را به دست خود گرفتند. (پیشین، ص ۵۱) زبان شناسان سرشناس، زبان دوران اشکانی (۲۵۰ ق م الی ۲۲۶ م) را به نام پهلوی اشکانی یا پهلوی شمالی (ابوالقاسمی، محسن، ۱۳۷۳ ش، ص ۲۰۳) می شناسند. در دوران پیش فارسی باستان را در خط میخی (۱) می نوشتند، (پیشین، ص ۳۵) اما برای نوشتن پهلوی اشکانی خط پهلوی اختراع شد. (پیشین، ص ۲۰۳) اردوان پنجم (دوران حکومت: ۲۱۶ الی ۲۲۶ م)، آخرین پادشاه دوران اشکانی از اردشیر بابکان (دوران حکومت: ۲۲۴ الی ۲۴۱ م) شکست خورد امپراتوری ساسانی تأسیس گشت. (رازی، عبدالله، پیشین، ص ۱۰۴) در این دوره ایران بار دیگر در زمینه ارتشی، فرهنگی و اقتصادی پیشرفت شایانی کرده ابر قدرت جهان گشت.

امپراتوری ساسانی بر اساس دین زرتشتی تأسیس شده بود، بنا بر این در دوران ساسانی دین زرتشتی در خاک ایران ریشه گرفت. در زمان انوشیروان عادل (دوران حکومت: ۵۳۱ الی ۵۷۹ م)، پادشاه نیکنام ساسانیان، پیامبر گرامی حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم مبعوث شد.

دین مبین اسلام صحرا نشینان سرزمین حجاز را با ارزشهای وزین اخلاقی آشنا کرد، و دیری نگذشت که خورشید اسلام سرزمین ایران را روشن و منور ساخت. (پیشین، ص ۱۳۸)

مردم نجیب و نیک سرشت ایران عزیز دین حق را از ته قلب پذیرفتند، و بزودی سراسر ایران حلقه به گوش اسلام گشت. در دوران ساسانی (۲۲۴ الی ۶۵۲ م) پهلوی ساسانی یا پهلوی جنوبی مروج بود، اما با ورود مسعود دین اسلام کلمات و واژگان عربی بسرعت وارد زبان پهلوی شدند، و در نتیجه آن زبان پهلوی

متحول گشت و خط پهلوی بنا بر دشوار بودنش یواش یواش متروک گشت. (ابوالقاسمی، محسن، پیشین، ص ۲۰۴ بعد) و ملت شریف ایران در همان اوایل خط عربی را، با کمی تغییر، پذیرفت. بنا بر عشق و علاقه با دین حق و کلام الله، خط جدید فارسی در طول ایران قبولیت یافت و تا امروز رایج است. (صفا، ذبیح الله، ۱۳۷۳ ش، جلد اول، صص ۱۲۰ الی ۱۵۶)

اغلب در مورد تفاوت در میان فارسی باستان، پهلوی و فارسی امروزه سؤال می کنند. پاسخ این پرسش مهم بسیار ساده و آسان است یعنی اگر از فارسی امروزه کلمات و تراکیب عربی اخراج و واژگان و اصطلاحات پهلوی وارد شود، مبدل به همان پهلوی می گردد؛ و بالعکس اگر در پهلوی قدیم کلمات عربی شامل شود، پهلوی پیراهن نوین فارسی امروزه به تن می کند. (ابوالقاسمی، محسن، پیشین، ص ۲۸۳ بعد)

پیوند مهر و دوستی میان زبان فارسی و شبه قاره قدیم و عمیق و ناگسستنی است. حتی در دوران پیش از اسلام نیز میان ایران و شبه قاره روابط دوستانه برقرار بود. (یمین خان، ۱۹۷۱ م، صص ۲۱ الی ۲۶) اما پس از ورود اسلام در شبه قاره چنین روابط گسترده تر شد. (پیشین، صص ۲۷ الی ۳۱)

در ابتدا، بویژه در دوران حملات سلطان محمود غزنوی (دوران حکومت: ۳۸۷ الی ۴۲۱ ه ق) و پس از آن عده زیادی از صوفیان و عارفان و بازرگانان مسلمان وارد شبه قاره شدند.

تعلیمات طلایی و ارزشهای زرین اسلامی بقدری ساده و جذاب بود مردم بومی دین اسلام را با قلب باز پذیرفتند. عارفانی که در شبه قاره برای گسترش و ترویج اسلام خدمات شایانی و فراموش نشدنی انجام دادند، اغلب شان فارسی زبان بودند. پس به جرأت می توان گفت که فارسی در گسترش اسلام در شبه قاره نقش اساسی ایفا کرد، و می شود ادعا کرد که مردم شبه قاره توسط فارسی با دین اسلام آشنا شدند، و

اگر عارفان فارسی زبان وارد شبہ قارہ نمی شدند، مشعل های دین مبین در تیرگی کفر افروخته نمی شد، و در ۱۹۲۷ م کشوری به نام جمهوری اسلامی پاکستان به وجود نمی آمد.

در نیمه قرن پنجم هجری قمری، اندکی پس از تهاجم های سلطان محمود غزنوی (درگذشت: ۴۲۱ ه ق)، سید علی بن عثمان هجویری (درگذشت: ۴۶۵ ه ق) که به لقب "داتا گنج بخش" خوانده و شناخته می شود، در لاهور حضور پیدا کرد و این شهر را مرکز و مستقر خود قرار داده ارزانی فیوض و برکات را ادامه داد. سید علی هجویری از شهر غزنین و فارسی زبان بود. لاهور چنین افتخار دارد که علی هجویری نخستین کتاب عرفان و تصوف به زبان فارسی را به نام "کشف المحجوب" در همین شهر به سلک نگارش در آورد که امروز نیز، حتی بعد از هزار سال، مهمترین منبع و مرجع عرفان اسلامی و تصوف ایرانی به شمار می آید. (هجویری، علی بن عثمان، به اهتمام محمود عابدی، ۱۳۸۳ ش)

دارا شکوه (۱۰۲۳ الی ۱۰۶۹ ه ق)، شاهزاده تیموری و فرزند شاهجهان، در سکینه الاولیا می نویسد که اگر کسی را صحبت مرشد معنوی یا شیخ طریقت میسر نیاید، مطالعه کشف المحجوب برایش کفایت می کند.

از اوایل قرن پنجم هجری، شبہ قارہ بویژه منطقه ای که امروز پاکستان نامیده می شود، مهد اصلی زبان و ادب فارسی گشت. در دوران غزنوی (قرن پنجم هجری) صاحبان قلم توسط فارسی عواطف و احساسات درونی خود را ابراز می کردند، و در دوران بعدی این سنت ادامه پیدا کرد. ابو عبدالله النکتی نخستین شاعر بومی فارسی بود. (صفا، ذبیح الله، پیشین، ص ۶۰۰)

بلوچستان، ایالت پهناور پاکستان، افتخار دارد که رابعه بنت کعب قرداری، نخستین شاعره تاریخ ادب فارسی، متعلق به قزدار، یکی از شهرستان های این ایالت بود. (پیشین، ص ۴۴۹) در دوره غزنوی شاعران بزرگی مانند مسعود سعد سلمان

(۳۳۸ الی ۵۱۵ ه ق) و ابوالفرج رونی (درگذشت: ۴۸۳ ه ق) اشعار نغزی سرودند. (ریپکا، یان، ترجمه کیخسرو کشاورزی، ۱۳۷۰ ش، صص ۳۰۱ الی ۳۰۳) هفت قرن آینده برای گسترش و ترویج شعر و ادب فارسی در شبه قاره بسیار ثمربار و فوق العاده مهم بود. فارسی نه تنها به عنوان زبان درباری و رسمی بلکه شناخت فرهنگ ایرانی و تمدن اسلامی جایگاه ویژه ای یافت. (نفیسی، سعید، ۱۳۴۴ ش) تا حدی که مسلمانان همراه با زبان شیرین فارسی، فرهنگ پُربار و غنی ایرانی را نیز با قلب باز پذیرفتند، و برآستی مسلمانان شبه قاره شیفته و وارفته و مسحور و مغلوب فارسی گشتند. جالب است که ایشان همان دینی را پذیرفتند که صوفیان و عارفان فارسی زبان با همراهشان آورده بودند، و همان فرهنگ را ورزیدند که در کنار فارسی و دین اسلام وارد این منطقه شده بود. (شیمل، آنه ماری، ترجمه یعقوب آژند، ۱۳۷۳ ش)

پس از فروپاشی امپراتوری غزنویان نیز از اهمیت فارسی هیچ کاسته نشد. (اکرام، شیخ محمد، ۹۸۲ م) در دوره سلاطین سخنوران بزرگی مانند امیر خسرو دهلوی (۶۵۱ الی ۷۲۵ ه ق)، حسن سجزی (۶۵۲ الی ۷۰۷ ه ق)، ضیا الدین نخشی (درگذشت: ۷۵۱ ه ق)، بدر چاچ (درگذشت: ۷۴۸ ه ق) و بو علی قلندر (درگذشت: ۷۲۳ ه ق) مشعل فروزان ادب فارسی را نورافشان نگه داشتند. در دوران خلجی (۶۸۹ الی ۷۲۰ ه ق) و سپس در دوره تغلق، سادات و لودیان (پایان دوره: ۹۳۲ ه ق) نفوذ و رشد فارسی ادامه یافت، اما کمالی که در دوران باشکوه تیموریان هندی (۹۳۲ ه ق/ ۱۵۲۶ م الی ۱۸۵۷ م) نصیب زبان و ادب فارسی شد، بدون هیچ شک و تردید بیمانند و بینظیر است. وطن اصلی ظهیر الدین بابر (دوران حکومت: ۹۳۲ الی ۹۳۷ ه ق)، بنیان گذار امپراتوری تیموریان هندی در شبه قاره، فرغانه (ازبکستان فعلی) بود. اما با وجود این، در دوران تیموریان فارسی جایگاه زبان رسمی و درباری را حفظ کرد، و پادشاهان تیموری در سرپرستی و تشویق شعر و سخن از

پادشاہان معاصر صفوی جلو تر رفتند، و ہزاران ہزار ارباب قلم، اہل دانش و حکمت، سخنوران و سخن سنجان و شاعران و نویسندگان از ایران بہ شبہ قارہ مہاجرت نمودند۔ فہرست چنین شاعران و ادیبان بسیار طولانی است کہ استاد گلچین معانی در کتاب مبسوط و پُرازش خود بہ نام ”کاروان ہند“ بہ ذکر آنہا پرداختہ است۔ (گلچین معانی، ۱۳۷۳ ش)

نصیرالدین ہمایون بنا بر عقب نشینی در برابر شیر شاہ سوری برای مدتی بہ عنوان مہمان شاہ طہماسب صفوی در ایران بسربرد۔ گمان می رود کہ بہ دلیل آن مسافرت نفوذ ایرانیان در دربار تیموریان چندین برابر شد، و عدۃ زیادی از ہنرمندان، معماران، نقاشان، شاعران و ادیبان برای کسب معاش و در جستجوی فرصتہای مناسب اقتصادی وارد شبہ قارہ شدند، و پادشاہان تیموری نیز مقدم ایشان را گرامی داشتند و از آنہا پذیرایی گرم بہ عمل آمد۔

پس از نصیرالدین ہمایون (در گذشت: ۹۶۴ ہ ق)، بالترتیب در ادوار جلال الدین محمد اکبر (دوران حکومت: ۹۶۴ الی ۱۰۱۳ ہ ق)، نورالدین محمد جہانگیر (دوران حکومت: ۱۰۱۳ الی ۱۰۳۷ ہ ق) و شاہ جہان (دوران حکومت: ۱۰۳۷ الی ۱۰۶۸ ہ ق) زبان و ادب فارسی و ہنرمندان ایرانی از اہمیت ویژه ای برخوردار شدند۔ در این دوران فارسی نہ تنها جایگاہ زبان رسمی و درباری داشت بلکہ زبان طبقۃ اشرافیہ نیز بود، و خانوادہ ہای باسواد بہ این زبان تکلم و بہ آن افتخار می کردند۔

ہمین زمان بود کہ مہرالنسا معروف بہ نورجہان، ملکہ جہانگیر؛ و ارجمند بانو معروف بہ ممتاز محل، ملکہ شاہجہان؛ در ریشہ گیری تمدن ایرانی نقش اساسی ایفا نمودند۔ افزون بر آن دانشمندان ایرانی بر منصب وزارت نایل آمدند، فرهنگ ناب ایرانی در این خاک ریشہ گرفت و تمدن پالودۃ اسلامی در خمیرمایۃ شبہ قارہ شامل شد۔ در دوران وزارت مرزا غیاث بیگ اعتمادالدولہ، پدر ملکہ نور جہان؛ و آصف جاہ، برادر ملکہ نور جہان و پدر ملکہ ممتاز محل؛ برای گسترش و توسعۃ

فارسی و تشویق از دانشمندان ایرانی اقدامات شایانی به عمل آمد؛ و فرهنگ ایرانی، تمدن هندی را تحت الشعاع قرار داد.

در این دوران سخنوران نامدارانی همچون غزالی مشہدی (درگذشت: ۵۹۸۰ ق)، عرفی شیرازی (۹۶۳ الی ۹۹۹ ق)، نظیری نیشاپوری (درگذشت: ۱۰۲۱ ق)، ظہوری ترشیزی (درگذشت: ۱۰۲۳ ق)، طالب آملی (درگذشت: ۱۰۳۶ ق)، ابو طالب کلیم کاشانی (درگذشت: ۱۰۶۱ ق)، قدسی مشہدی (درگذشت: ۱۰۶۷ ق)، صایب تبریزی (درگذشت: ۱۰۸۸ ق) و غیرہم بہ شبہ قارہ آمدند و جادوی زبان فارسی نہ تنها مسلمانان بلکہ ہندوان و سیک ہا را نیز مسحور ساخت، و آنہا برای کسب معاش و جایگاہ مهمی در جامعہ بہ یادگیری و آموزش فارسی پرداختند. در این زمینہ کتابی بہ نام ”سہم ہندوان در ادب فارسی“، پژوهش پُرازش شاد روان استاد دکتر سید عبداللہ اہمیت ویژه ای دارد.

مروری بر تاریخ بیش از ہزار سالہ فارسی در شبہ قارہ نشان می دہد کہ عروج و زوال اسلام و فارسی در این منطقہ بہ ہمدیگر مربوط و مشروط است. در زمانی کہ اسلامیان روی کار بودند و قدرت و زمام اقتدار در دست ایشان بود، فارسی نیز رونق بیماند و رواج باورنکردنی داشت، اما بہ گفتہ خود فارسی زبانان ”ہر عروجی را زوالی“، ہنگامی کہ مسلمانان دچار زوال شدہ زیر استیلای انگلیسیہا قرار گرفتند، کم کم از اہمیت دیرینہ فارسی کاستہ شد و زبان انگلیسی جایگاہش را بہ خود اختصاص داد، و سرانجام در ۱۸۵۷م دوران تیموریان بہ پایان رسید.

در این زمان اردو، بنا بر بسامد واژگان فارسی، در میان مسلمانان؛ و ہندی بنا بر بسامد لغات سانسکریت، در میان ہندوہا رونق گرفت. عدہ خانوادہ هایی کہ بہ فارسی تکلم می کردند، یواش یواش کاهش یافت. متأسفانہ اسلامیان نہ تنها از فارسی فاصلہ گرفتند بلکہ بنا بر از دست دادن قدرت و ثروت، عشق و علاقہ دانش آموزی نیز در جامعہ آنہا کمتر شد، و در نتیجہ بیسوادی و دوری از دانش و بینش و افزون بر آن

علوم دینی و دنیوی، فقر فرهنگی نصیب شان گردید. در چنین اوضاع وخیم خداوند متعال مسئولیت روشن نگه داشتن شمع فارسی را به اقبال لاہوری (۱۸۷۷ الی ۱۹۳۸ م) سپرد. در چنین دورہ تیرہ تاریخ اسلام این مرد دانا برای بیداری سراسر جهان اسلام فوق العادہ تلاش کرد. اقبال در حدود پانزده ہزار بیت سرود، و جای شگفتی است کہ این شاعر و فیلسوف کہ ہیچگاہ بہ ایران مسافرت نکرد و از ہیچکس بطور رسمی فارسی نیاموخت، بیش از نہ ہزار بیت بہ فارسی سرودہ است (اقبال، کلیات فارسی، ۱۹۹۰ م)، کہ براستی کمتر از معجزہ نیست. دیوان اشعار اردوی وی مشتمل بر شش ہزار بیت است. (اقبال، کلیات اردو، ۱۹۹۰ م) بر اساس رهنمود های اقبال و فرهنگ اصیل اسلامی کہ صوفیان و عارفان فارسی زبان بہ نیانگان ما عطا کردہ بودند، محمد علی جناح، رہبر کبیر مسلمانان شبہ قارہ، در ۱۹۴۷ م، کشور جمہوری اسلامی پاکستان را بنیان گذاشت.

ما ہمہ می دانیم کہ پاکستان نخستین کشور جهان است کہ بر اساس یک عقیدہ و ایدیولوژی روی نقشہٴ جهان پدیدار گشت، و این واقعیت ہم از ہیچکس پنهان نیست کہ عقیدہ ہا در خاک ریشہ نمی گیرد، اینکہ در قلوب و اذہان بہ وجود می آید، با آب عاطفہ و احساس آبیاری می شود، با دانش و بینش می بالد، و با ایثار و قربانی رشد می یابد. پس در این شکی نیست کہ برای بقا و احیای نظریہٴ پاکستان لازم است برای زندہ نگہداشتن پیوند ناگسستنی با میراث نیانگان و بزرگان، بویژہ در اندیشہ های نژاد جوان دایم کوشا باشیم، و ہیچگاہ فراموش نکنیم کہ چنین مللی کہ ریشہ های خود را از خاک گذشتہ می گسلند، حق زندہ ماندن را از دست می دهند، و نہالی یا درختی کہ ریشہ هایش کندہ شود، تا دیر زندہ و سبز و شاداب نمی ماند، روی شاخہ های بریدہ، برگہا نمی روید و گلہا نمی شکوید. چشم پوشی و صرف نظر از چنین واقعیتہا ما را در چاہِ ژرفِ زوال می اندازد.

اما چطور می توان پیوند با گذشتہ و بستگی با میراث فرهنگی زندہ

نگهداشت؟! پاسخ این پرسش هم سهل است و هم دشوار. آسان به این جهت که فرهنگ و تمدن، و دین و مذهب را زنده نگهداشته باشیم، و این امر تنها با احیای فرهنگ و زبان فارسی امکان پذیر است. مشکل به این سبب که متأسفانه ما از حرلت و عمل دُور و از تلاش و جستجو بیگانه ایم. رژیم صیہونیستی را ببینید، آنها نیز ادعای مملکت ایدیولوژیک را دارند، و برای احیای زبان مرده و فراموش شده، تلاشهایشان دارد به ثمر می رسد، و زبان عبرانی الآن در تمام دانشگاههای معتبر و مهم اروپا و آمریکا تدریس می شود، در حالیکه فارسی زبانی است زنده و پویانده که میلیونها نفر بدان تکلم می کنند.

پس از استقلال پاکستان، به دستور قاید اعظم محمد علی جناح، رهبر کبیر ما، اردو به عنوان زبان ملی تصویب شد، اما حتی پس از گذشت بیش از شش دهه، هنوز نتوانسته ایم اردو را به جای انگلیسی به عنوان زبان رسمی جایگزین کنیم. در قانون اساسی ۱۹۷۳ م به ملت نجیب و شریف ما قول داده شد که در ظرف فقط ده سال، اردو جایگزین انگلیسی خواهد شد، اما جای بسیار تأسف است که با گذشت هر سال ارزش و اهمیت اردو کمتر می شود. واقعیت تلخ همین است که امروز جایگاه اردو پایینتر از هر دوران پیشین تاریخ شصت و دو ساله ماست. جای تأسف و تحسّر و مایه شگفتی است که اندیشمندان دلسوز روی صفحه تلویزیون در مورد جایگاه و اهمیت اردو به زبان انگلیسی اظهار نظر می فرمایند، و اگر اشتهاً آمادۀ صحبت به اردو شوند، به چنین اردوی انگلیسی آمیز تکلم می کنند که درک آن برای یک آدم اردو زبان کم سواد امکان پذیر نمی ماند، و ما را به یاد "فارسی شکر است"، اثر جاودانی محمد علی جمالزاده، می اندازد.

بر همه روشن است که هیچکس تا موقعی که با فارسی آشنا نباشد، هرگز نمی تواند به اردوی صریح تکلم کند، بنویسد یا متوجه شود. بیجا نیست که اردو را دختر شیرین و نازنین فارسی نامیده اند، چون در ساختار اردو بیش از شصت در صد

لغات و اصطلاحات و تراکیب از فارسی گرفته شده است. ساختمان ادب اردو بر اساس ادب فارسی استوار است و هیچ جملہ اردو بدون استفاده از کلمات فارسی تکمیل نمی شود. فارسی تا هفت قرن زبان رسمی این مرز و بوم و زبان نیاگان ما بوده و گسلیدن پیوند با میراث اجداد فاصله گرفتن از گذشته تابناک خویش است.

قبلاً ہم اشارہ ای شد کہ اقبال لاهوری نگہدار تاریخ فرهنگی و بیانگر آیندہ روشن ماست. شعر درخشانش جادۂ تیرہ آیندہ را بہ ما نشان می دهد. بہ عقیدہ خود اقبال "تاریخ چراغی است کہ جادۂ آیندہ را برای ما منور می سازد". تفہیم کلام اقبال در واقع درک ایدیولوژی پاکستان است. عشق با شعر اقبال گویا عشق با بیداری، و عقیدت با اقبال گویا عقیدت با فرهنگ و تمدن خویش است. باید در خاطرہ مان باشد کہ آموزش فارسی راہی است کہ بہ آرمانہای اقبال راہنمایی می کند.

براستی قرن بیست و یکم را عصر رایانہ و فناوری می نامند، اما آیا می توان تاریخ، فرهنگ، تمدن، اخلاق سازی، مردم سالاری و آدمیت را از خاطر زدود؟! ہمہ قبول دارند کہ جامعہ ما در آستانہ فروپاشی معنوی است، اما چارہ جویی را بہ چہ کسی بسپاریم؟ ملت ما برای آیندہ چہ هدفی را در پیش دارد؟

حقایق یاد شدہ را در نظر داشتہ نکات برجستہ زیر در مورد ارزش و اہمیت فارسی پیش می آید. باید فارسی را اہمیت بدہیم، برای:

برقراری پیوند با گذشتہ؛

نگہداری میراث نیاگان؛

بقای تمدن و فرهنگ اسلامی؛

نگہداشت شناخت فرهنگی؛

تفہیم نظریہ پاکستان؛

بہ وجود آوردن عاطفہ میهن دوستی بویژہ در نژاد نو، و جوانان امروز؛

احیای اقدار اخلاقی؛

یاد گرفتن زبان ملی مان یعنی اردو؛

ترویج اصطلاحات علمی پژوهشی در زبان اردو؛

غنی سازی زبان اردو؛

مقاومت در برابر تهاجم فرهنگی اروپا و آمریکا؛

توسعه و گسترش فرهنگ اصیل اسلامی و شرقی؛

تفہیم مبانی دین مبین اسلام و ادراک شروح قرآنی و کتب عرفانی؛

رشد و گسترش بیشتر روابط دوستانه با کشورهای همسایه و هم سرنوشت

و برادر اسلامی از جمله جمهوری اسلامی ایران و افغانستان؛

تحکیم پیوند صمیمانه با کشورهای آسیای میانه، بویژه کشور فارسی زبان

جمهوری تاجیکستان؛

آشنایی با زبان نازنین اردو، دختر شیرین فارسی و زبان ملی پاکستان؛

تشکیل محیط اسلامی، فرهنگی و ادبی؛

تفہیم کلام اقبال، متفکر بزرگ مشرق زمین و شاعر ملی و مصور پاکستان؛

درک اندیشه اقبال و تفہیم اسباب و علل تأسیس و استقلال پاکستان؛

حفظ و بقای هویت و تشخص پاکستان.

پس به جرأت می توان ادعا کرد که آینده فارسی و پاکستان بستگی به

همدیگر دارد و درک این واقعیت آینده ما را تعیین می کند.



منابع:

- . ابوالقاسمی، محسن؛ ۱۳۷۳ش، تاریخ زبان فارسی، انتشارات سازمان مطالعہ و تدوین کتب علوم انسانی، تہران.
- . اقبال لاہوری؛ ۱۹۹۰م، کلیات اقبال (اردو)، اقبال اکادمی پاکستان، لاہور.
- . اقبال لاہوری؛ ۱۹۹۰م، کلیات اقبال (فارسی)، اقبال اکادمی پاکستان، لاہور.
- . اکرم، شیخ محمد؛ ۱۹۸۲م، آب کوثر، مجلس ترقی ادب، لاہور.
- . اکرم، شیخ محمد؛ ۱۹۸۲م، رود کوثر، مجلس ترقی ادب، لاہور.
- . اکرم، شیخ محمد؛ ۱۹۸۲م، موج کوثر، مجلس ترقی ادب، لاہور.
- . داراشکوہ؛ ۱۹۸۵م، سکینۃ الاولیا، لاہور.
- . رازی، عبداللہ؛ ۱۳۷۲ش، تاریخ کامل ایران، انتشارات اقبال، تہران.
- . ریپکا، یان؛ ۱۳۷۰ش، تاریخ ادبیات ایران، ترجمہ کیخسرو کشاورزی، انتشارات گوتمبرگ و جاویدان خرد، تہران.
- . سیّد عبداللہ؛ فارسی ادب میں ہندوؤں کا حصہ، لاہور.
- . شفق، رضا زادہ؛ ۱۳۵۷ش، تاریخ ادبیات ایران، تہران.
- . شیمل، آنہ ماری؛ ۱۳۷۳ش، ادبیات اسلامی ہند، ترجمہ یعقوب آژند، انتشارات امیر کبیر، تہران.
- . صفا، ذبیح اللہ؛ ۱۳۷۳ش، تاریخ ادبیات در ایران، پنج جلد، چاپ یازدہم، انتشارات فردوس، تہران.

. گلچین معانی؛ ۱۳۷۳ ش، کاروان ہند، انتشارات آستان قدس رضوی،
تہران.

. معین، محمد؛ ۱۳۷۵ ش، فرهنگ فارسی، جلد پنجم و ششم، انتشارات
امیر کبیر، تہران.

. نفیسی، سعید؛ ۱۳۳۳ ش، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی،
کتاب فروشی فروغی، تہران.

. ہجویری، علی بن عثمان؛ ۱۳۸۳ ش، کشف المحجوب، بہ اہتمام محمود
عابدی، انتشارات سروش، تہران.

. یمین خان؛ ۱۹۷۱ م، تاریخ شعر و سخنوران فارسی در لاہور، لاہور.

